

تروسی معمار بود سبیل بنایم چشمش بدم مست شکر خواب بهار ساقی خط میانه نمی نیست کم ازند	دیرانه من حاجت تعمیر ندارد صحوای دل من روم نخبه ندارد یک سبزه جو مینای نو کسبم ندارد
سستوک ز شهادت که او میرسم اینک طرف کلمه غیر بر تیر ندارد	
کسی امشب بالین من بیستاب می نکا هم انجان شد ابد از یونین جان کرم هوای موفقت کرده است نگرد از زک این نامداران شیرین جان ناده ویرانیم از و بدین گشتن ملاقات تو نزلت بود شیرازه از غفلت هواموج رطوبت می زند از کرم امشب بیال باش بر میری از خود نمیدانی بردار سبزه فرکان اموشنم خوبی جان مرکان بزگانم که کسرتی دارد	بچه بخند با از زود سخن کل اب می آید که از چکان کوش من صدای اب می آید که از نظاره اش چشمم اب می آید که میکوید که از زخم کلین جوانی می آید که موج کل چشمم انشین سیلاب می آید شود فرکان بزگان اشتنا چون جو آبی بکوش او از اب ز رفتن مهتاب می آید که از حاشای کار بسته سنجاب می آید بهر صحران خود رشید عالم تاب می آید که اسبک از دیده من حلقه چون کرد آ
عبارم سده حمیر از نکت خاک وطن دماغم میرسد از کوه اجباب می آید	
مار موج جلوه مشانه ریر اب داد از رفغان زخم لب خود را نمی سبندم	جایه چون ناک سسار ستراب آید فانل سنج را از اسبک بدایب داد

زبس بود سفر مند سرمه او از صدای رفتن بانگ در انمی باشد	
چرمی کند بدل تنگ موج غم شتوک بغاور دیده مور از دبا نمی باشد	
زخود کم کنند را در زم کبیتی جانمستند بغور نامکی تو آمد قناد و وعده و بساخت اضطرار رسد نکستی مارا کند کم جویش را اگر کسی جوابی دارد مباش از غفلت از هم کار چو شتر آ	اسیری محنت کج فسخ غم نمیدانند ملک بچو ای مه امر دزی ترافر دانی باشد بسی ناخدا حاجت درین در بانمی با که از خود رفته را در را نقش بانمی باشد که بغیر جواب صورت دنیا نمی باشد
نگاه لطف اگر خوانی تلاش جاک ری کن که چند از شرم او را چو زبر بانمی باشد	
دیوار چون زنده تصویر ندارد نان پاره سالک نمیزد اش مفرط پرورده معنی شده ام از عهد لفظ بیا ز جیش افزون شود از عجز نکاهم کم کوسین سخت که جز حرف علامم دیوانه او را از خطر بانک نباشند از جلوه هموار تو نهند قطع حیوانم غم نیست که از دیده حیرت زده رفتی رازدل مشتاق تو مشتاق و لب نیست	سیلاب سرخانه ز کبیر ندارد کابل شود دل شکم سیر ندارد بستان صدف غیر که هر شیر ندارد نظاره لم نیست که تانیه ندارد سوم دیگر ایسینه تصویر ندارد میدان جنون دهن شیر ندارد ایست خرام نو که ستمشیر ندارد کابلی ورق ایسینه تصویر ندارد فران خموشی ز بروز بر ندارد

بیشی

Copyrighted material